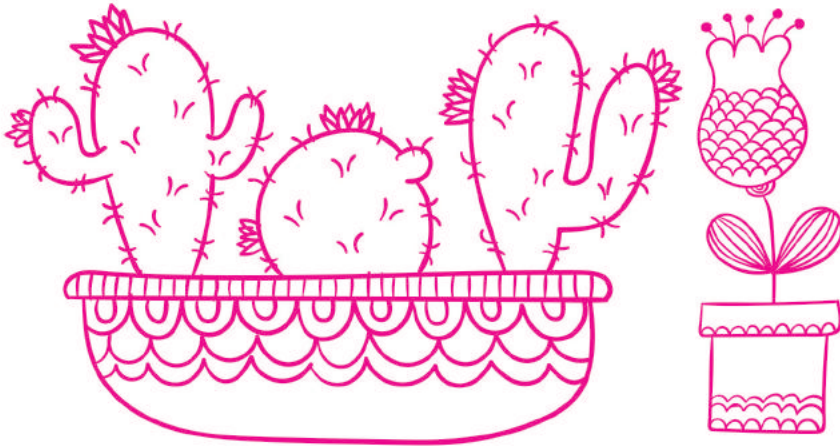




زیبا نویسی ششم ابتدایی



خوشنویسی و آموزش: حسن فتحی
مدرس خوشنویسی مدارس تهران و عضو انجمن خوشنویسان ایران

به نام خدا

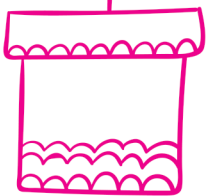
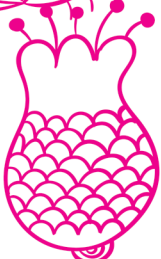
شعر با معنی و در نشر آموزش گلها

در مجرای کجا که نشر زیب نویس که پیش رو نشا قله طلوع معر شده است خا زبیر لایلا
که جوهر سز ناب و بی بریل اینغ مرز و بوم کجمن و میراث گرانجا که نشا کجا سز منرد
شعر ذوق لایلا کجمن به بهترین وسیله ترین شعوه مکنج برلا شامخی کجمن عزیز
باز آموزش شده است و معر بر آن کجمن که تا جایی که ممکن هست از زیباییات
پیشیه و سخت پر سز کجمن ، تالذت زیب نویس با سادگی سراه شوه
بیر کجمن که مهارت و تمویح زیاده پیش بخت گوزبایه هر چه شتر خا شام شوه و
نابیر به لایلا کجا کجمن کجمن .

ضمناً از محبت عزیز دو کلام جنتی بر منقده که زحمت طبع و نشر این مجموعه را بر عهده داشته

شکر و سپاس لاطلم .

شعر

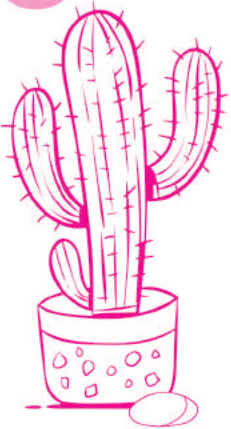


به نام آن که جانِ افکرت آموتت چراغ دل به نور جان برافروخت
به نام آن که جانِ افکرت آموتت چراغ دل به نور جان برافروخت

ز فضلش هر دو عالم گشت روشن ز فیض خاکِ آدم گشت گلشن
ز فضلش هر دو عالم گشت روشن ز فیض خاکِ آدم گشت گلشن

خرد را نیست تاب نور آن روی بُرد از بهر او چشمِ دگر جوی
خرد را نیست تاب نور آن روی بُرد از بهر او چشمِ دگر جوی

به نزد آن که جانش در تجلی است همه عالم کتاب حق تعالی است
به نزد آن که جانش در تجلی است همه عالم کتاب حق تعالی است

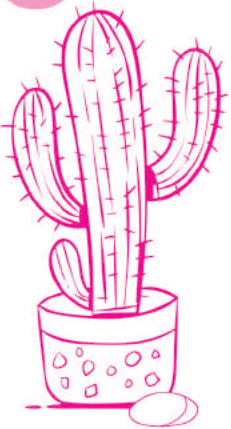


آفریدگار را باید پرستیدن و بر نعمت او سپاس‌اری باید کرد
آفریدگار را باید پرستیدن و بر نعمت او سپاس‌اری باید کرد

باد بهاری وزید از طرف مرغزار باز به گردون رسید ناله‌ی هر مرغ زار
باد بهاری وزید از طرف مرغزار باز به گردون رسید ناله‌ی هر مرغ زار

هر گل و برگی که هست یاد خدای کند بلبلی دُستری چه خواند؛ یاد خداوندگار
هر گل و برگی که هست یاد خدای کند بلبلی دُستری چه خواند؛ یاد خداوندگار

برگ درختان سبز در نظر همیشیا هر درقش دُفتری ست، معرفت کردگا
برگ درختان سبز در نظر همیشیا هر درقش دُفتری ست، معرفت کردگا





ترکیب دوتایی حروف "ع"

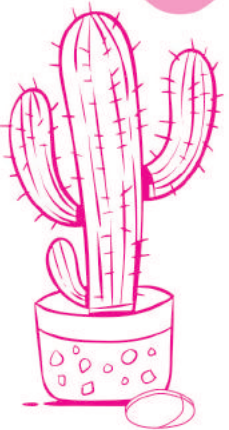
عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ
عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ عَظْمٌ

نَعْمَتٌ نَعْمَتٌ نَعْمَتٌ

مَعْرِفَةٌ مَعْرِفَةٌ مَعْرِفَةٌ

غَنِيمَةٌ غَنِيمَةٌ غَنِيمَةٌ

مُرْغَزَارٌ مُرْغَزَارٌ مُرْغَزَارٌ



تصمیم گرفتند قدری آنجا بمانند و کنار رودخانه استراحت کنند.
تصمیم گرفتند قدری آنجا بمانند و کنار رودخانه استراحت کنند.

امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد.

امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد.

وقتی تو به من محبت کردی، آن را روی سنگ حک کردم تا هیچ
وقتی تو به من محبت کردی، آن را روی سنگ حک کردم تا هیچ

تند بادی هم آن را پاک نکند.

تند بادی هم آن را پاک نکند.

